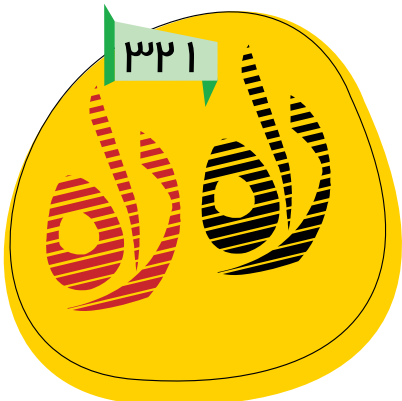




محمدعلی انجانی

بَقْتَدَرُ مَقْتَدَرُ اقْتَدَار

اقتدار ~/eqtedAr~ /الاقتدار

مترادف: استطاعت، توانایی، قدرت، وسع، شاخ‌شدن، فکر کردی خیال کردی متضاد: ضعف، توسری‌خوری، بدبخت و لاجون، مافنگی

لغت‌نامه دهخدا

اقتدار. [ا] ت [ع مص] در دیگ پختن چیزی را. (منتهی الارب) (آندراج) (المصادر روزنی) (تاج المصادر) (ناظم الاطباء). توانا شدن. (المصادر روزنی) (تاج المصادر بیهقی) (ترجمان القرآن جرجانی) (آندراج). توانستن. (منتهی الارب) (آندراج) (ناظم الاطباء). (مص) قدرت و توانایی و قوت و زور. (ناظم الاطباء)

حتما با خواندن متن بالا تعجب کرده و ابروهای تان را به قاعده یک وجب بالا انداخته‌اید و با خودتان می‌گویید «وا! این چی‌چیه؟ تو این وضعیت جنگی، اینا چرا لغت‌نامه‌ها رو ریختن توی صفحه طنز روزنامه!» ولی اگر اندکی تامل کنید قضیه را برای تان شرح می‌دهم.

قضیه به سال‌ها پیش برمی‌گردد. آن زمانی که مرحوم علی‌اکبر دهخدا هنوز مرحوم نشده و سُر و مُر و گنده نشسته بود (بعضی منابع نقل کرده‌اند که گاهی هم می‌ایستاد. نگارنده نیز تأیید می‌کند. بالاخره آدم است دیگر). کتاب‌های مختلف را ورق می‌زد و دنبال معانی کلمات می‌گشت تا لغت‌نامه‌اش را تکمیل کند. در آن ایام، او چنین معانی‌ای را برای «اقتدار» انتخاب کرد ولی اگر همچنان در قید حیات بود با دیدن حوادث روزهای اخیر به ضرس قاطع (به قول بعضی‌ها زرت قاطر که به آنها می‌گوییم حداقل از آقای دهخدا خجالت بکشید. واقعا که!) معانی دیگری برای اقتدار می‌نوشت. یقینا او به جای این همه توضیح و تفصیل عجیب و تا حدودی غریب که حداقل ما برخی‌اش را هیچ نفهمیدیم، در یک کلام، لب کلام، ختم کلام با ذکر مثال می‌نوشت، اقتدار، فقط و فقط آنچه ایران و ایرانی در برابر اسرائیل و آمریکا انجام داد و لاغیر. در ادامه هم می‌افزود اگر قبول ندارید آن انگشت‌تان را از دهان (مرحوم) بسیار مبادی آداب بود و نمی‌گفت از دماغ) در بیابورید و روی لینک روبه‌رو بزنید تا ببینید و باور کنید. سپس چند فقره فیلم از پرواز موشک‌های ایران در آسمان و اصابت‌های مکرر و تپ‌تپ آن به سرزمین‌های اشغالی را در لینک روبه‌رو می‌نشانند تا همگان ببینند و جگرشان (همان جیگر خودمان) حال بیاید و بفهمند اقتدار یعنی چه و باقی دیگر هیچ است و افسانه و فلان و بهمان.

به حتم، او هم همانند دیگران، اذعان می‌کرد وقتی کشوری در برابر یاهو‌گویی (در فارسی خودمانی: چرت‌وپرت‌گویی) ابرقدرت‌های دنیا که تهدیدش کرده‌اند «می‌زنیم و آل‌وبلت می‌کنیم» با گفتن «شین بینیم بابا! بازار باد بیاد» می‌ایستد و واقعی به آنها نمی‌نهد و محلی به‌شان نمی‌گذارد، یعنی اقتدار.

اینکه کشوری مقابل حمله یکپوویی و غافلگیرانه اسرائیل که خود را ارتش چهارم دنیا می‌داند (تخندید. خب می‌داند دیگر) از هم نمی‌پاشد، به طرف‌العینی سر پا می‌شود، خود را می‌تکاند، گرد از چهره می‌زداید و با گفتن «اصلا هم درد نداشت. ارتشم، ارتشم، این بود ارتشت؟!» موج حملات پی‌درپی خود را بر دشمن زبون شروع می‌کند و آنها را به شکر خوردن می‌اندازد، یعنی اقتدار. اطمینان دارم که فی‌الواقع اگر دهخدا بود و این مردم دلیر را می‌دید که در یکی از بزنگاه‌های تاریخی (همان برهه حساس کنونی خودمان) برخلاف انتظار دشمنان، نه تنها پشت نظام و کشورشان را خالی نکردند و نگرختن، بلکه به میان میدان آمدند، آن را چیزی جز اقتدار معنا نمی‌کرد.

هرچند اکنون سال‌هاست که دیگر مرحوم دهخدا در بین ما نیست و طبیعتا نمی‌تواند بنویسد که شیرپچه‌های خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز و وارثین حیدر کرار چه‌ها که نکردند و اقتدار را چگونه معنا کردند ولی ما هستیم و می‌نویسیم و خواهیم نوشت که اگر ننویسیم قلم‌مان بشکند.

در پایان جا دارد به پاس اقتدار کشور عزیزمان به پدر صنعت موشکی‌مان شهید حسن طهرانی‌مقدم بگوییم «روح شاد حاجی» و نیز از همه نیروهای مسلح مقتدر کشور با گفتن «شیر مادر و نان پدر حلال‌تان» تشکر و قدردانی کنیم و به افتخارشان بزنیم اون دست قشنگه رو. د بزن دیگه.

پیدی نیست که با این بادا بکوزد



بای درخت کشورم کود خواهی شد

شاخ شدی؟ این درخت پر شاخه است

حالا شاخه‌اش نیفته سرمون صلوات

شاخه‌هایت را برای گریه کردن دوست دارم

ایران به ارواح جدم، نیستی در جدم

می‌خوای گریه کنی؟ گریه کن!

در حوالی ما لات‌بازی ممنوع

اینقدر زور زن! برگم ریخت!

تلاش اسرائیل برای هَرس

اسرائیل پدرش را به جنگ آورد

ها آرتص: فقط صد سال دیگر تا براندازی راه هست!

آتش چه بسی؟

ها آرتص: اسرائیل زورش را زدا

عطر تو به گل‌های جهان داد تکتانی
وقتش شده صهیون سر جایش بنشانی

سیدمیشتر / آینه آل اسحاق

در کار که کوزه‌گری رفتن دوش
دیدم که ترامپ رفته در لانه موش

خیام نیشابوری / علی یگانه

مدعی خواست که از بیخ کند ریشه ما
غافل از اینکه مهپتا شده دمپایی ما

مولانا / مرصیه ملکیان

کنون که تلویزیون انتقام خیبر را
میان قلب تل‌آویو، زنده پخش کند

سیدمیشتر / آینه آل اسحاق

ستاره ای پدر خشید و ماه مجلس شد
و رفت سوی «تل‌آویو» چون که موشک بود

حافظ / جواد قره محمدی

از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
جز پدافند که امنیت ما تأمین کرد

حافظ / زهره محمدزاده



آن تلخ وش که صوفی ام‌الخیانتش خواند
از ما شکست خورد و باباش را فرستاد

حافظ / جواد قره محمدی

زهره راضایی

خارستان سعدی

حکایت اول

وقتی به فقدان مغز موشک بر ایران زدم، آمریکا دل آزرده و با چشمان نمناک به سمتم آمد، به سمت او به قصد در آغوش کشیدن قدم برداشتم که دست بر گوشم برد و آن را پیچاند. هر چه نعره زده و جامه دریدم که غلط کردم، اعتنایی نکرد. همی گفت: «مگر موشی فراموش کردی که شیری می‌کنی؟ ذلیل مرده».

حکایت دوم

لقمان را گفتند: رعایت قانون از که آموختی؟ گفت: از موشک هاپرسونیک. هر چه او در آسمان با سرعت راند و از بین پرتابه‌های گنبد آهنین لایی کشید، من در زمین با احتیاط راندم.

حکایت سوم

پیرمردی ضعیف از پس پناهگاه همی آمد و گفت: «چه نخسبی که نه جای خفتن است؟» گفتیم: «چون رَوم هم موشک‌های ایران ما نهدند». گفت: «پس جمع‌تر بشین که منم جا بشم».



علی دارع



ما می‌ریم آمپول بزنیم

(برگرفته از دفتر خاطرات یک صهیونیست) **جمعه**

دیشب به ایران حمله کردیم. قبل از آغاز عملیات یک وظیفه مهم در حیطة امدادی از طرف شخص ژنرال بی بی به من محول شد. مسؤول امور توزیع ایزی لایف در سراسر محله‌های حیفا، تل‌آویو، اورشلیم و حومه. از خوشحالی در ایزی لایف خود نمی‌گنجیم!

شنبه

دیشب مصرف ایزی‌لایف خیلی بالا رفت. من اکنون تبدیل به بزرگ‌ترین توزیع‌کننده شده‌ام. ایزی‌لایف حتی از بنگ و شیشه و گل نیز درخواست بیشتری دارد.

ژنرال بی‌بی امروز قرار است یک توک پا اسرائیل را به مقصد یونان ترک کند. هرچه پا به زمین کوبیدم من را با خود نبرد. گفت ما می‌خواهیم قرویم یونان آمپول بزنیم برگردیم. سر راه هم برایت قاقالی می‌خریم. به شرط خرید ایزی‌لایف پرو، راضی شدم برود. **یکشنبه**

آکنون شب است، اما روز است. ایزی‌لایف پرو هم حتی جوابگو نیست. مجبور شدم سه تا ایزی‌لایف پرو را با هم بیچیم و استفاده کنم بلکه نم پس ندهد. من مادرم را می‌خواهم. بابایم را هم حتی می‌خواهم. ده بیست تا گزینه بود اما هیچ کدام بابای من نبودند.

قرار است مسؤول توزیع ایزی‌لایف تغییر کند. چرا؟ چون آینده‌نگری کردم و یک کامیون ایزی‌لایف در زیرزمین خانه دور از چشم بقیه گذاشتم تا اسراف نشود. من جلوگیری از اسراف کردم اما اینها می‌گویند احتکار کردی! بشکند دستم که نمک ندارد! آخر دیشب خواب دیدم ۷ ایزی‌لایف عادی، ۷ ایزی‌لایف پرو را می‌خورند. طبق این خواب، قحطی ایزی‌لایف در راه است و باید ایزی‌لایف‌ها را در زیرزمین‌ها انبار کنیم ولی کسی گوشش بدهکار نیست و می‌گویند چرا ایزی‌لایف‌ها را می‌ریزی توی خواب‌ها.

دوشنبه

ژنرال بی‌بی ممنوعیت فیلمبرداری و ارسال اخبار و آوردن نام یک جسم که بر زمین فرود می‌آید را اعلام کرده است. همه جا آهنگ «همه چی آرومه، من جقدر خوشحالم» در حال پخش شدن است. درحالی‌که اشک‌هایم را پاک کرده و ایزی‌لایفم را تبدیل به شش لایه می‌کنم، برای بار پنجاهم، «همه چی آرومه، من جقدر خوشحالم» را زیر لب زمزمه می‌کنم.

مدتی در حال سکسکه بودم و به هیچ وجه بند نمی‌آمد. خداروشکر چند دقیقه‌ای است بند آمده. به محض اینکه آن اسمش را نبر بر زمین فرود آمد و برج روبه‌رویی پودر شد، خود به خود سکسکه‌ام بند آمد. خدا خیرشان بدهد.

نیازمندی‌ها

خریدار پماد سوختگی به صورت عمده
ننتایاهو و وزرای کابینه

دوره آموزشی ببا سیب‌زمینی باشیم
اساتید حرفه‌ای و کارآزموده
به همراه اعطای مدرک معتبر
زیرنظر بنیاد پهلوی و خواهر مریم

به یک آبکش بزرگ جهت دوپوسته‌کردن
گنبد آهنین سابق نیازمندیم
وزارت جنگ اسرائیل

خریدار دستگاه شمارش
مجهز به سیستم شناخت موشک
ارتش گودر تمند اسرائیل

چند جفت دست پرتوان
جهت گرفتن جا در پناهگاه‌های اسرائیل
معامله با یک بلیت هواپیما
مقصد مهم نیست

به مقداری دلیل برای ضربه ملایم مغزی نیازمندیم
اتاق فکر آمریکا



ضمیمه طنز راه راه کاری از

دبیر سرویس نثر: فاطمه بجوار
دبیر سرویس شعر: فریا رئیسی
دبیر سرویس کارتون: نمین سلیمانی نژاد
صفحه‌ار: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی

مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و
کاریکاتور انقلاب اسلامی
<https://zil.in/bashgahtanz>



عنوان: کاش فقط موشک بود!

ددی جانم! دونالد!

نامه‌ات به دستم رسید. قبل از هرچیز باید بگویم خوشم نمی‌آید که مثل احمق‌ها با من صحبت می‌کنی. خودت ما را به این بلا گرفتار کردی. حالا از موشک‌های‌شان به من می‌گویی؟ به من؟ اگر تو نسبت به این موشک‌ها علم حصولی داری، من در این یکی دو هفته علم حضوری پیدا کرده‌ام و دردش را با پوست و استخوانم چشیده‌ام. کاش همه تجهیزات نظامی‌شان، موشک و بالستیک بود. تا حالا اسم پهباد انتحاری «آرش» را شنیده‌ای؟ الان که خریست کرده‌ای و وارد این جنگ شده‌ای بگذار بگویم پایگاه‌هایت قرار است با چه چیزی مواجه شوند.

دونالد! برای سربازانت در برابر دوربردترین پهباد انتحاری جهان دیگر نمی‌توانی از عبارت مرگ مغزی ملایم استفاده کنی! باید بگویی سقط شدن وحشتناک.

آرش را که می‌شناسی؟ یک بار مرز ایران و توران را با کمانش مشخص کرد. نگرانم امروز هم پهبادش، اسرائیل را ضمیمه ایران کند. آرش ضد رادار است و گنبد آهنین نمی‌تواند رهگیری‌اش کند. همان گنبدی را می‌گویم که از گنبد پلاستیکی هم ضعیف‌تر است. حالا که آتش‌پس کرده‌ایم برای یک‌بار هم در عمرمان که شده بیا مرد باشیم و دیگر شکر اضافه با حلیم‌مان نخوریم. قدرت ۵۰ اسب بخاری این پهباد برای نابودی ما کافیست! خصوصا که یک دوربین حرارتی هم روی آن نصب کرده‌اند و اهداف متحرک را هم می‌تواند بزند! هدف متحرک که می‌دانی چیست؟ من و تو هم جزو اهداف متحرک حساب می‌شویم. تو که از جانت سیر نشده‌ای؟ کاش می‌شد مثل فیلم‌های هالیوودی‌تان یک ایرفرمان بیاید و با شلیک به چرخ این پهباد، آن را متوقف کند اما بدبختی این است که حتی چرخ هم ندارد و از روی لانچر پرتاب می‌شود. شاید برد دو هزار کیلومتری آن، تو را نترساند اما من را، هم می‌ترساند و هم کاری می‌کند که مجبور شوم شلوار قهوه‌ای بپوشم.

بیست و یکمین دوره آموزش طنز
باشگاه طنز انقلاب اسلامی

«پداخند»

تو این روزا اگه می‌خوای از ابزار طنز برای تولید محتوا و جهاد تبیین استفاده کنی بسم‌الله

طنز مطبوعاتی: محمدرضا شهبازی

شعر طنز: امین شفیعی

استندآپ کمدی: محمدامین میمندیان

کاریکاتور مقدماتی: سید محمدجواد طاهری

آیتم‌نویسی طنز: ناصر جوادی

تدوین طنز: محمدحسین قدرتی

پادکست طنز: زهره کاظم‌زاده

اقلام گرافیکی طنز: سیدمهدی موسوی

برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به نشانی
RahRahTanz.ir مراجعه کرده یا با شماره
۰۹۹۲۸۳۵۰۰۲۱ تماس بگیرید.



گمشده

یک عدد آژانس به همراه زوائد و جراند خود در صفحه ال‌سی‌دی روزگار گم شده و شبکه‌اش فقط بوق می‌زند و هیچگونه خبری از آن نیست. مشخصات این اداره عبارتست از:

– دارای فراموشی و پریشانی خاطر
– معناد به مواد تزریقی و مبالغ زیرمیزی
– دارای عادت به خالی‌بندی و آشنا به انواع صور

دلقک‌بازی
– حساس به بوی انرژوی اتمی و ابراز واکنش واقواق
از یابنده تقاضا می‌شود در صورت یافتن این آژانس،
آدرس آن را جهت بلاک کردن در اختیار عموم قرار دهد.

جمعیت بشر کل جهان